



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

دوشنبه ۰۴ جنوری ۲۰۲۱

نوراحمد خالدي

## اقتصاد اسلامی

دوکتور نوراحمد خالدي  
سوم جنوری ۲۰۲۱

از طالبان در مورد سیاستهای اقتصادی آنها مطلبی خوانده ایم. اما اکثرآ از طرفداران طالبان می‌شنویم که آنها می‌خواهند یک دولت سوچه (خالص) اسلامی در افغانستان برقرار گردد. وقتی از یک دولت سوچه یا خالص اسلامی صحبت می‌شود ناگزیر دانستن موازین و اساسات یک اقتصاد خالص اسلامی هم اهمیت پیدا میکند. در اینجا کوشش می‌گردد مبانی اقتصاد اسلامی به اختصار تعریف گردد. هرگاه خوانندگان محترم مطالب مربوطه بیشتری را به این اختصار اضافه کنند و یا نظریات خاصی در مورد این نوشته داشته باشند لطفاً در کامنتها آنها را بنویسید.

سوال اساسی این است که اساسات یک اقتصاد اسلامی کدامها اند؟

سیستم اقتصاد اسلامی شامل اساسات آتی محسوب می‌گردد: در اسلام گفته می‌شود که خداوند انسانها را بدرجات متفاوت ثروتمندی آفریده است تا در روز آخرت از هرکس در مقابل آنچه به او داده شده بود پاسخگو باشد. در یکی احادیث آمده است که اولاد آدم در روز آخرت بخشیده نخواهند شد مگر اینکه او به پنج سوال پاسخ گوید: او چگونه زندگی خود را گذراند؟ جوانی خود را چگونه سپری کرد؟ از کدام راهها او عاید خود را کسب کرد؟ او چگونه عاید خود را مصرف کرد؟ و اینکه او از دانش خود چگونه استفاده کرد؟

طوریکه دیده می‌شود دو سوال در مورد راههای کسب ثروت (مال) و چگونگی مصرف کردن ثروت مطرح است. هدف آن است که عاید باید از راههای حلال بدست آید و در راههای حلال به مصرف برسد. بنابر آن اساسات اقتصاد اسلامی که به هدف ایجاد ثروت، توزیع ثروت و حمایت از ثروت نافذ اند شامل یک سلسه موازین میباشند.

اول- ایجاد ثروت

- تولید و تجارت برای مرفوع نمودن نیازمندیهای فرد و جامعه و ایجاد ثروت از طریق دست زدن به فعالیتهای تولیدی و تجارتي مشروع برای کسب عاید؛
- اشتراک هرچه بیشتر مردم در فعالیتهای اقتصادی مشروع تولید عاید؛
- تأکید بالای مصرف کردن عواید حاصله در مقابل اندوختن ثروت و موضوع مشروعیت مصرف کردن؛
- تأکید بالای ممنوعیت احتکار و مخالفت با اندوختن ثروت و سرمایه.

#### دوم- توزیع ثروت

- توزیع ثروت به منظور تأمین مساوات و عدالت اجتماعی از طریق قوانین میراث، زکات، صدقه، مصرف در راه خیر و اوقاف عملی میشود.
- احکام وراثت یا میراث در اسلام نیز در امر توزیع ثروت نقش مهم دارند.
- هدف از زکات جلوگیری از اندوختن سرمایه است.
- منظور از صدقه دادن عبارت از کمک، دسترسی و اعانه به محتاجان برای تأمین عدالت اجتماعی میباشد.
- مصرف در راه خیر از طریق اعمار مساجد، اعمار مکاتب، اعمار سرکها و پلها و امثالهم عملی میگردد.
- اوقاف نیز در امر توزیع ثروت نقش دارند. اوقاف از عاید تصدیهای خود فعالیتهای عام المنفعه را تمویل میکند. بطور مثال در ترکیه از جمله صدها تصدی مربوط اداره اوقاف تعدادی به فعالیت هایی مانند حمایت از حیوانات خانگی بی صاحب می پردازند.

#### سوم- حمایت از ثروت

- حمایت از تجارت و ثروت شامل قوانین و مقررات، تشویق فعالیتهای مشروع و جلوگیری از فعالیتهای غیر مشروع مانند مخالفت با ربح یا سود خوری، قمار و قمار خانه ها، فحشا و جلوگیری از فاحشه خانه ها. مخالفت و ممنوعیت تولید و تجارت امتعه حرام مانند گوشت خوک و محصولات الکولی. اینگونه محدودیتهای اقتصاد اسلامی را مشخص میسازند و واضح میکنند کدام فعالیتهای مجاز اند و کدام فعالیتهای ممنوع و غیر مشروع میباشد.
- اصول بانکداری اسلامی در سالهای اخیر برای تلفیق و هماهنگ کردن فعالیتهای بانکی عصر حاضر با محدودیتهای اقتصاد اسلامی بنیانگذاری شده اند. بانکداری اسلامی در حقیقت بانکداری اجتماعی است بدین معنی که بانکداری اسلامی در خدمت کمونتی یا اجتماعات انسانی است نه در

خدمت اقتصاد بازار. قروض بانکهای اسلامی به افراد و سرمایه‌گذاریهی بانکهای اسلامی در سکتورهای، مسکن و سکتورهای اخلاقی اقتصاد صورت می‌گیرد که ممنوعیت ربح یا دریافت سود از قرض دادن پول یکی از اصول آن می‌باشد. دریافت ربح یا سود از قرض دادن پول در اسلام ممنوع است.

طوری‌که ملاحظه می‌گردد در اسلام انجام فعالیت‌های اقتصادی روا است و بدست آوردن عاید حلال برای یک مسلمان برای رفع احتیاجات او و خانواده اش یک وظیفه دینی محسوب می‌گردد. اما تأمین رفاه اقتصادی نباید موضوع، هدف و مقصد فعالیت اقتصادی یک مسلمان باشد. کسب رزق حلال مورد تاکید دین است و آثار و برکات آن بر کسی پوشیده نیست، اما نباید دور از نظر داشت که ثروت دنیوی وسیله رسیدن به سعادت اخروی باید باشد. در اسلام فعالیت اقتصادی بذات خود یک هدف نه بلکه یک وسیله برای رسیدن به هدف سعادت اخروی محسوب می‌گردد. در اسلام بالای قناعت و اعتدال تأکید صورت می‌گیرد و مال اندوزی را عمل ناپسند می‌پندارد. انسان مسلمان در انفاق و مصرف، نه اسراف می‌کند و نه سخت‌گیری، بلکه میانه این دو را برمی‌گزیند. از يك سو، نیازهای انسان گوناگون است و به دلیل محدودیت‌ها نمی‌تواند تمام آن را به بیشترین مقدار برآورده سازد. از این رو، به نیازهای گوناگون خود باید در حد اعتدال رسیدگی کند. از سوی دیگر، بیشتر امکانات و منابع مادی، محدود است و زیاده روی در مصرف، محرومیت دیگران را به همراه خواهد داشت. در کنار این دو نکته باید دانست سلامت و نشاط انسان و پرداختن به جنبه‌های دیگر زندگی به ویژه امور معنوی نیز نیازمند مصرف معتدلانه است.

قرآن مجید به تناسب بحث دنیاپرستی پیشوایان یهود و نصاری، به ذکر یک قانون کلی در مورد ثروت اندوزان پرداخته، می‌گوید: کسانی که طلا و نقره را جمع‌آوری و پنهان می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌نمایند، آنها را به عذاب دردناکی بشارت ده! (آیه ۳۴ از سوره مبارکه توبه). مطابق به احکام قرآنی، با کسب رزق حلال و اهتمام بر دستگیری از نیازمندان و انفاق است که می‌توان به سعادت واقعی رسید و از فرصتی که خدای متعال در اختیار ما قرار داده است نهایت استفاده را داشته باشیم. از نظر قرآن، فریفته شدن به مال و فرزند و ملاک ارزش قرار دادن آن، نشانه جهل و بی‌خردی است. (مومنون، آیات ۵۵ و ۵۶). از نظر قرآن مجید، کاربرد مال و ثروت تنها در دنیا است و اگر ارزش و اعتبار نسبی به آن قائل است (آل عمران، آیه ۱۱۶) در همین دنیا و برای اهداف آفرینش و به کارگیری آن در مسیر رضایت الهی با اعمال صالح است (سبأ، آیه ۱۷)؛ وگرنه در آخرت مال و ثروت و حتی فرزند هیچ نفعی برای افراد ندارد و موجب رهایی

شخص از گرفتاری نخواهد شد. (شعراء، آیات ۶۹ و ۸۸؛ آل عمران، آیات ۱۰ و ۱۱ و ۱۱۶؛ توبه، آیه ۶۸). قرآن مجید بارها تاکید دارد که مال و ثروت همانند فرزندان، زینت‌های زندگی دنیوی است و نباید برای آن اصالتی قائل شد؛ زیرا مال و ثروت در آخرت هیچ معنا و مفهومی ندارد. (کهف، آیه ۴۶؛ همزه، آیات ۳ و ۴).

از نظر قرآن، کسانی که مال و ثروت و زندگی دنیوی برای آنها اصالت دارد، آرزوی ثروت دارند و آن را به عنوان ارزش مطلق دانسته و ملاک سنجش و ارزش گذاری کرامت خود و دیگران در دنیا و حتی آخرت قرار می دهند و با چنین گمانی به تکاثر اموال و گردآوری و شمارش آن مشغول می‌شوند. (قصص، آیات ۷۶ و ۷۹؛ همزه، آیات ۳ و ۴؛ بقره، آیه ۲۴۷ و آیات دیگر) از همین رو تمام تکیه و همت آنها به مال اندوزی و جمع ثروت و قدرت است؛ در حالی که ثروت و قدرت، آنها را از عذاب‌های الهی دنیوی و اخروی نجات نمی‌دهد. (کهف، آیه ۳۴؛ آل عمران، آیات ۱۰ و ۱۱؛ توبه، آیات ۶۸ و ۶۹؛ مسد، آیات ۱ و ۲). آموزه های قرآنی تاکید دارد که انسان در فعالیت های اقتصادی اصل را بر صداقت و درستکاری گذاشته و کمتر به گردآوری اموال به هر شکلی بیندیشد؛ زیرا درستکاری اقتصادی، دارای ارزشی بهتر از داشتن مال و دارایی و تکاثر آن به هر شکل و شیوه‌ای است. (اسراء، آیه ۳۵).

برداشت های قناعت، اعتدال، تکذیب زراندوزی، عدم اهمیت مال و دارایی دنیوی در عمل در طول تاریخ جوامع اسلامی تعداد زیادی را به گوشه گیری از فعالیتهای دنیوی و صوفیگری تشویق کرده است. بدین گونه این برداشت خاص اسلام که فعالیت اقتصادی بذات خود یک هدف نه بلکه یک وسیله برای رسیدن به هدف سعادت اخروی محسوب می‌گردد نه رفاه دنیوی، زیربنای اختلافات با نظام اقتصادی کشورهای مغرب زمین را تشکیل می‌دهد.